

## خم باده !

مستی از جام ندیدیم، خم باده کجاست !  
در شب تیره ی دل آن مه آزاده کجاست !

همه در خانه نشستند و به خود در بستند  
آن که ننشسته ز پا، آن یل استاده کجاست !

پیش آن بت همه بر خاک سیه افتادند  
فاش گوئید هر آن کس که نیفتاده کجاست !

تا پیامی بفرستیم به بلقیس سبا  
هدهد آن مرغ سلیمان فرستاده کجاست !

تا نجبیم ز جا کار به سامان نرسد  
بر سر سفره دل روزی بنهاده کجاست !

وقت آن است که با زهدِ ریا عشق کنیم  
راه مسجد بنما، دفتر و سجاده کجاست !

« بر سرخوان صفا منتظریم ای ساقی »  
باده پیمای و بگو بخت خدا داده کجاست !